



عکس: AFP

شخص مسئول، صاحب احترام، یک شخصیت معتبر و مهم می‌شنویم، نمی‌توانیم بگویم که او صرفاً خواسته خود را مطرح کرده است، زیرا چنین شخصیتی محاسبات و برآوردهایی دارد که ما بخشی را می‌دانیم و بخشی را هم نمی‌دانیم. امروز امکان افول رژیم صهیونیستی به یک موضوع در حال بحث و بررسی تبدیل شده است و دیگر در حد افکار و اندیشه‌ها و تصورات نیست. زمانی که چنین چیزی را مطرح می‌کنید، یعنی اینکه درهم‌شکسته شدن مستکبران را می‌بینید و می‌خواهید آنها را به چالش بکشید. توجه داشته باشید که ما دو نوع به چالش کشیدن داریم؛ در گذشته به چالش کشیدن در صبر و ایستادگی معنا پیدا می‌کرد و امروز در تحقق پیروزی‌ها. این یعنی به چالش کشیدن دشمن به طور ملموس دیده می‌شود. ما امروز وارد یک مرحله جدید از موازنه قدرت شده‌ایم. من شخصاً هیچ‌گاه تصور نمی‌کردم موازنه قدرت را به گونه‌ای که اکنون وجود دارد، بتوانم ببینم. موازنه قدرتی که امروز می‌بینیم، حتمی و قطعی شده است.

برای تحقق آنچه که رهبر انقلاب پیش‌بینی کرده بود، نیاز بود که کرانه باختری به سبزی برای قدس تبدیل شود. زمانی که رهبر انقلاب نظریه «تسلیم کرانه باختری» را مطرح کردند، تحقق آن اصلاً آسان نبود. چه کسی جرأت و جسارت داشت درباره این موضوع صحبت کند؟ حقیقتاً چنین کاری آسان نبود. تلاش‌های زیادی انجام شد و تغییرات و تحولات مهمی اتفاق افتاد که شرایط امروز در کرانه باختری رقم بخورد. تحقق چنین امری به ایمان نیاز دارد. البته دو نوع ایمان وجود دارد؛ ایمان برای مبارزه و فداکاری و ایمان به اینکه می‌توانید پیروز شوید و دشمن را شکست دهید. اگر اجازه دهید از عالم ایمانی خود کمی خارج شوم و عبارتی از «مائو تسه تونگ» نقل کنم که مرا شگفت‌زده می‌کند. او می‌گوید: «باید جرأت و شجاعت داشته باشیم.» این بدان معناست که تحقق پیروزی نیازمند جرأت و جسارت نشان‌دهنده جرأت و جسارت پیروزمندان بود. کسی که می‌خواهم در چهارچوب معادله وحدت میدان‌ها در کنار ملت فلسطین بایستم، این کار آسانی نیست. امکانات و ظرفیت‌های دشمن را نیز باید در نظر داشت. دشمن به‌تنهایی با شما مبارزه نمی‌کند. باید دانست که تحقق پیروزی نیازمند جرأت و جسارت و پذیرش مواجهه با دشمن است. رقم‌خوردن پیروزی کار آسانی نیست، اما قابل تحقق است. براساس آنچه گفته شد، من اعتقاد دارم که این سخن نابودی رژیم صهیونیستی ناشی از هیجان و برای بالابردن روحیه مبارزان مقاومت نبوده است. این سخن با هدف آماده‌سازی برای مرحله آتی و مبتنی بر یک نگارش ژرف‌اندیشانه و بلندنظرانه مطرح شده است. بی‌بردن به اهمیت این پیش‌بینی و موضع رهبر انقلاب کار آسانی نیست؛ درست مانند اهمیت اقدام امام خمینی -رحمة‌الله علیه در تعیین آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به‌عنوان روز قدس. من خود در آن زمان شاید در تهران بودم. با خود گفتم: بسیار خوب... اکنون چه اتفاقی قرار است رخ دهد؟ چه چیزی باعث شده است ایشان مسأله قدس را پیش بکشند؟ ما در صحنه فلسطین معتقد بودیم که قدس مانند دیگر مسائل و قضایا، مسأله‌ای است که وجود دارد. با این حال، امام(ره) با این اقدام خود، قدس را به مسأله محوری تبدیل کردند و امت اسلامی را بر سر آن متحد ساختند و آن را به اولین نقطه و محور برخورد با دشمن در میدان نبرد تبدیل کردند.

رسید، همین وضعیت حاکم بود [همه به خیابان‌ها آمدند]. برای وقوع یک انقلاب چنین اتفاقی باید رخ دهد. در خرداد سال ۱۳۴۲ مردم کاری را که در بهمن ۱۳۵۷ کردند، انجام نداده بودند، زیرا عواملی وجود دارند که اساساً از سنت‌های خداوند هستند.

زمانی که از موازنه قدرت سخن می‌گویم، برخی از مردم هستند که اعتقاد دارند موازنه قدرت با «ایمان» در تعارض است. خیر این‌طور نیست. موازنه قدرت از سنت‌های الهی است.

شما به اعتماد به نفس و واقعبینان میدانی اشاره کردید. اگر امروز بخواهیم به سخن رهبر انقلاب درباره افول رژیم صهیونیستی بازگردیم، می‌بینیم که این سخن پیرامون ۲۵ سال آینده رژیم صهیونیستی بود. اکنون عمر رژیم صهیونیستی کمتر از این میزان تخمین زده می‌شود. مردم فلسطین چقدر از شنیدن چنین چیزی احساس امیدواری می‌کنند؟

برخی از مردم زمانی که این سخن را شنیدند، سؤال کردند: چنین چیزی درست است؟! چرا ۲۵ سال؟ زمانی که چنین سخنی را از یک

کند. با این حال، آنها به این باور رسیدند که می‌توانند بردشمن غلبه کنند. من در اینجا تلاش می‌کنم تا حقایق میدانی را بازگو و تشریح کنم.

مردم [فلسطینیان] همواره آماده فداکاری و جانفشانی هستند. آنها همیشه شجاع‌اند، اما گاهی شجاعت در صبر کردن نهفته است و نه در قیام کردن و به پاخاستن. این [شجاعت] چیزی است که با زندگی، مبارزه و مقاومت شکل گرفته است. مردم تحولات را دنبال می‌کنند و آن را می‌فهمند. در طول عمر همواره شرایطی پیش می‌آید که از مردم می‌خواستیم دست به برگزاری تظاهرات بزنند. به آنها می‌گفتم: به خیابان‌ها بیاوید و تظاهرات کنید. آنها به حرف‌های ما گوش نمی‌دادند. پلیس هم می‌آمد و ما را -که چند نفر بودیم- بازداشت می‌کرد. در نهایت هم پس از آنکه مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتیم، به زندان می‌افتادیم. دفعات دیگر، مردم را دیدیم که به خیابان‌ها ریخته و همه‌جا را پر کرده‌اند.

زمانی که انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید، فلسطین افزایش نیافته است، بلکه فلسطینیان به این نتیجه رسیده‌اند که دنیا تغییر کرده است و می‌توانند کاری را که می‌خواهند، انجام دهند. آنها به این باور رسیده‌اند که حتی می‌توانند حمله کنند.

زمانی که شما از قدرت برخوردار باشید، شاید طرف مقابل را مورد هجوم قرار دهید. اگر طرف مقابل، شما را ضعیف ببیند، به شما حمله می‌کند؛ لذا زمانی که ملت فلسطین مقاومت خود را شروع می‌کند و کارهایی را که امروز می‌بینید، انجام می‌دهد، این بدان معناست که احساس می‌کند قادر است قدرتش را به نصبه ظهور برساند. زمان و تجربه لازم بوده است تا چنین احساسی در فلسطینیان شکل گیرد. طبیعتاً این احساس خلق الساعه نیست.

ما ده‌ها سال مبارزه کرده‌ایم. کسانی که سلاح به دست گرفتند و پرچم مقاومت را در جیبش بالا بردند، اگر مطمئن نبودند که دشمن قادر به شکستشان نیست، شاید چنین کاری نمی‌کردند. هیچ چیز نمی‌توانست این جوانان را وادار به چنین کاری

شاید روزگاری به دلیل تفاوت‌های زیادی که میان ما و دشمن وجود داشت و دشمن نسبت به ما برتر بود و تحکم می‌کرد، ما برای مقاومت و ایستادگی نیاز به افزایش روحیه و هیجان داشتیم. با این حال، امروز اگر شما سخنرانی‌های رهبر انقلاب را با دقت مطالعه کنید، خواهید یافت که این بیانات کاملاً حساب‌شده و جدی هستند. چرا دشمن در برابر مقاومت مردد شده است؟ زیرا به خوبی دریافته است که اینجا همه چیز جدی پیش می‌رود.

شما در خصوص مقاومت در منطقه و دستاوردهای آن سخن گفتید. آیا فلسطینی‌ها امروز به این ایده «وحدت میدان‌ها» اعتقاد دارند و برای اجرایی شدن آن در عرصه عمل گام برمی‌دارند؟

می‌خواهم این اطمینان را به شما بدهم که ملت فلسطین امروز یک ملت باتجربه است. سؤال این است که امروز چه چیزی تغییر کرده است؟ امروز چه چیزی متفاوت از گذشته رخ می‌دهد؟ امروز لزوماً فقط آگاهی، بصیرت و بینش ملت

این مرحله جدید چه مختصاتی دارد؟ شرایط مقاومت مردم فلسطین و جبهه مقاومت چگونه است و دشمن در چه وضعیتی سیر می‌کند؟ من اعتقاد دارم که ملت فلسطین در مقایسه با وضعیتی که در طول ۱۰۰ سال اخیر داشته است، امروز در بهترین وضعیت ممکن به سیر می‌برد. همچنین رژیم صهیونیستی با بدترین وضعیت خود در طول ۱۰۰ سال گذشته مواجه است. رژیم صهیونیستی هیچ‌گاه در چنین وضعیت بدی قرار نداشته است؛ نه در عرصه داخلی، نه در عرصه روابط خارجی و نه در سطح ارتش خود.

ما هیچ‌گاه از چنین قدرتی که امروز داریم، برخوردار نبوده‌ایم. چگونه و چه زمانی ما از یک پایگاه مقاومت قدرتمندانه در نوار غزه برخوردار شدیم؟ این منطقه پنج جنگ با رژیم صهیونیستی را پشت سر گذاشته و اکنون دستش روی ماشه است. پس از شهادت شیخ خضر عدنان، قهرمان اسطوره‌ای فلسطین، غزه ۱۰۰ موشک به سمت رژیم صهیونیستی شلیک کرد.

این اتفاق چه معنا و مفهومی دارد؟ مشخص است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بسیاری از بیانات و سخنرانی‌های خود از ملت فلسطین و برخی از مستلزمات پیشرفت مقاومت از جمله وحدت میدان‌ها سخن گفته‌اند. آیا ما می‌توانیم آنچه را در چهارچوب معادله وحدت میدان‌ها محقق شده است، در کرانه باختری امتداد بدهیم؟ برای تحقق شعار وحدت میدان‌ها در عرصه واقعبیت ما نیاز به تغییر در موازنه قدرت داریم. زمان نیاز است تا این احساس به وجود آید که یک اتفاق ویژه و ملموس در حال رخ دادن است و سخن گفتن از آن در حد آمل و آرزو نیست.

به نظر شما برای تحقق شعار «وحدت میدان‌ها» باید چگونه عمل کرد؟

«وحدت میدان‌ها» تصمیم بزرگی است. این تصمیم فلسطینیان در میدان‌های مختلف فلسطین بوده و بدان معناست که اگر اتفاقی برای مسجدالاقصی رخ دهد، غزه به آن ورود پیدا می‌کند. این یک بازی یا شوخی نیست. همچنین در رابطه با لبنان، منطقه و حتی در رابطه با ایران باید گفت که اتخاذ چنین تصمیمی برای وحدت میدان‌ها نشان‌دهنده شجاعت بسیار زیاد و نگارش ژرف بلندنظرانه به امور است. این یک تصمیم استراتژیک است که نتایج خاص خود را دارد. یکی از این نتایج، وقوع جنگ است و در جنگ نیز پیروزی و شکست وجود دارد. اگر شما چنین تصمیمی را اتخاذ کنید، این بدان معناست که در یک موقعیت هجومی قرار گرفته‌اید و تقریباً مطمئن هستید که پیروز می‌شوید. بر این اساس، من معتقدم که تصمیمات رهبر انقلاب تصمیمات حساب‌شده‌ای است که از روی هیجان اتخاذ نشده‌اند. یعنی این مواضع فقط برای افزایش روحیه مبارزان بیان نشده‌اند. این تصمیمات نشان می‌دهد که ما وارد مرحله جدید شده‌ایم، وارد مرحله مواجهه شده‌ایم.



نیاز بود که کرانه باختری به سبزی برای قدس تبدیل شود

برای تحقق آنچه که رهبر انقلاب پیش‌بینی کرده بود، نیاز بود که کرانه باختری به سبزی برای قدس تبدیل شود. زمانی که رهبر انقلاب نظریه «تسلیم کرانه باختری» را مطرح کردند، تحقق آن اصلاً آسان نبود. چه کسی جرأت و جسارت داشت درباره این موضوع صحبت کند؟ حقیقتاً چنین کاری آسان نبود. تلاش‌های زیادی انجام شد و تحولات مهمی اتفاق افتاد که شرایط امروز در کرانه باختری رقم بخورد. تحقق چنین امری به ایمان نیاز دارد. البته دو نوع ایمان وجود دارد؛ ایمان برای مبارزه و فداکاری و ایمان به اینکه می‌توانید پیروز شوید و دشمن را شکست دهید. این وجود دارد.

اگر اجازه دهید از عالم ایمانی خود کمی خارج شوم و عبارتی از «مائو تسه تونگ» نقل کنم که مرا شگفت‌زده می‌کند. او می‌گوید: «باید جرأت پیروزمندان را داشته باشیم.» این بدان معناست که تحقق پیروزی نیازمند جرأت و جسارت است. سخنی که رهبر انقلاب مطرح کردند، نشان‌دهنده جرأت و جسارت پیروزمندان بود. کسی که می‌گوید من می‌خواهم در چهارچوب معادله وحدت میدان‌ها در کنار ملت فلسطین بایستم، این کار آسانی نیست. امکانات و ظرفیت‌های دشمن را نیز باید در نظر داشت. دشمن به‌تنهایی با شما مبارزه نمی‌کند. باید دانست که تحقق پیروزی نیازمند جرأت و جسارت و پذیرش مواجهه با دشمن است. رقم‌خوردن پیروزی کار آسانی نیست، اما قابل تحقق است. براساس آنچه گفته شد، من اعتقاد دارم که این سخن نابودی رژیم صهیونیستی ناشی از هیجان و برای بالابردن روحیه مبارزان مقاومت نبوده است. این سخن با هدف آماده‌سازی برای مرحله آتی و مبتنی بر یک نگارش ژرف‌اندیشانه و بلندنظرانه مطرح شده است. بی‌بردن به اهمیت این پیش‌بینی و موضع رهبر انقلاب کار آسانی نیست؛ درست مانند اهمیت اقدام امام خمینی -رحمة‌الله علیه در تعیین آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به‌عنوان روز قدس. من خود در آن زمان شاید در تهران بودم. با خود گفتم: بسیار خوب... اکنون چه اتفاقی قرار است رخ دهد؟ چه چیزی باعث شده است ایشان مسأله قدس را پیش بکشند؟ ما در صحنه فلسطین معتقد بودیم که قدس مانند دیگر مسائل و قضایا، مسأله‌ای است که وجود دارد. با این حال، امام(ره) با این اقدام خود، قدس را به مسأله محوری تبدیل کردند و امت اسلامی را بر سر آن متحد ساختند و آن را به اولین نقطه و محور برخورد با دشمن در میدان نبرد تبدیل کردند.



پرش